



تهران شاید بهترین باشد.

بیانیه حضور علی اصغر قائمی در
انتخابات شورای شهر تهران، ری و تجریش
به همراه تبیین و شرحی بر آن، بایدها، نبایدها، دیدگاهها و رویکردها



مهندس علی اصغر قائمی

کاندیدای ششمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش



@GhaemiMedia





مهندس علی اصغر قائمی

کандیدای ششمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش

تهران شایسته‌ترین است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»
«آیه ۳۸ سوره شوری»

مردم عزیز و شریف شهر تهران

اکنون که به لطف الهی و به برکت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شوراهای اسلامی شهر و روستا، فرصتی دوباره برای دمیده شدن هوای تازه و مشارکت مستقیم مردم در اداره امور شهر و دیار خویش با برگزاری انتخابات، فراهم شده است، به پشتوانه تجربه سالیان متمادی خدمت در حوزه مدیریت شهری تهران و کارنامه روشن آن دوران، خود را در معرض انتخاب شما برای عضویت در ششمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش قرار داده‌ام.

امیدوارم به فضل و عنایت الهی و تحت توجهات حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» و دعای خیر مردم با خالص کردن نیت، برای خدمت با روحیه‌ای بسیجی که میراث گرانقدر دوران پرافتخار دفاع مقدس است، عمل به وظائف قانونی عضویت در شورا را سرلوحه کار خود قرار داده، در گزینش و نظارت بر عملکرد شهردار و شهرداری تهران با تفاهم و همدلی سایر اعضای شورای اسلامی شهر که منشأ خیر و صلاح است، به منظور تسهیل و تسریع کار مردم و با استفاده از روش‌های علمی در اداره شهر کوشا باشم.

توجه به مختصات شهر اسلامی، حفظ هویت تاریخی و بافت قدیمی شهر، فرهنگ‌سازی و تبلیغ در مسائل مربوط به شهر را وظیفه خود دانسته و ارتباط دائمی با مردم را کلید دستیابی به این مهم می‌دانم. همچنین در راه مبارزه با فساد، رشوه‌خواری و تجمل‌گرایی در مدیریت شهری از هیچ کوششی فروگذار نخواهم کرد و آن را از جمله وظائف مهم خود و سایر اعضای شورای اسلامی شهر تهران، می‌دانم.

بر خود وظیفه می‌دانم که از زمینه‌های بروز اختلاف بین شورا و شهرداری تا حد توان پیشگیری کنم، از انگیزه‌های جناحی که بازدارنده اصلی کار هستند پرهیز کنم، به هیچ عنوان در جنجال‌های سیاسی به جای عمل به وظائف قانونی وارد نشوم و مراقبت کنم که شهرداری از هر طریقی برای کسب درآمد قانون‌فروشی نکند.

بر اساس تجربه حضور در این عرصه و به منظور جلب مشارکت و اعتماد شهروندان و استفاده از دیدگاه‌های مردم در اداره شهر به دنبال استقرار مدل‌های مشارکت شهروندان در تصمیمات مدیریت شهری خواهم بود و از ایجاد بسترهای حضور گسترده مدیریت شهری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به منظور شفافیت بیش از پیش و بهره‌گیری از نظرات خبرگان در اتخاذ تصمیمات بهینه، حمایت خواهم کرد.

شفافیت اطلاعاتی شهر در سطح سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و توجه به اجرائی بودن و اثربخش بودن قوانین وضع شده توسط شورا و مبارزه با رانت‌های اطلاعاتی را پیگیری خواهیم کرد و نظارت مؤثر، کارا و سیستمی بر اقدامات شهری و تلاش برای اصلاح قوانین و ضوابط دست و پاگیر، چابک‌سازی دستگاه‌های خدمات‌رسان به مردم را از جمله وظایف خود می‌دانم.

برای تقویت و توسعه درآمدهای پایدار شهر از طریق فرصت‌هایی که توسط فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل حصول است تلاش خواهیم کرد و به دنبال توسعه زمینه‌های مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کسب‌وکارهای فعال در شهر تهران در تحقق شهری با خدمات نوین، در دسترس، شهروندمدار و زیست‌پذیر خواهیم بود.

فارغ از شعارزدگی، ایجاد کمیسیونی برای مدیریت و راهبری موضوعات فناوری و نوآوری شهری، که طبعاً تحقق شهر هوشمند را به دنبال دارد، پیگیری خواهیم کرد تا فرصتی برای توسعه زیرساخت‌های حقوقی حمایت از مجموعه‌های نوآفرین، خلّاق و دانش‌بنیان فراهم آید و سیاست‌های حمایتی برای تقویت و توسعه خدمات غیرحضوری هدفمند شود.

در خلاء قانونی مدیریت واحد شهری، حمایت از تحقق مدیریت یکپارچه شهری، متکی به ابزارها و راه‌کارهای فناورانه را، راه‌گشای دستیابی به این هدف والا می‌دانم و به ارتباط و تقویت روابط با حوزه‌های تخصصی و دستگاه‌های اجرائی و قوای محترم سه‌گانه به منظور همگرایی اقدامات شهری در جهت ارتقاء جایگاه شهر تهران در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اهتمام خواهیم داشت.

قابطه کارکنان شهرداری و بدنه این سازمان بزرگ را افرادی خدمت‌گذار و صادق می‌شناسم و به استفاده از ظرفیت‌های داخلی شهرداری و کارکنان آن و تلاش برای ثبات مدیریت شهری برای اکثر موارد، اعتقاد دارم.

لذا با اتکاء به عنایات الهی و برنامه‌های پیش‌گفته و با پرهیز از طرح شعارهای خیال‌پردازانه، ادعاها و قول‌های غیرواقعی، فریب‌دهنده و غیراصولی که موجب دامن‌زدن به انتظارات غیرمنطقی است و با پرهیز از اسراف در تبلیغات و با رعایت موازین اسلامی، ورود خود را به عرصه رقابت انتخابات شورای اسلامی شهر تهران اعلام می‌نمایم. امیدوارم با رأی خود، اینجانب را در ایفای رسالت و مسئولیتی که فراروی خویش می‌بینم یاری کنید، هرچند فرصت‌سوزی‌های دوره پنجم شورای شهر تهران، کار را سخت و دشوار نموده، اما امید به آینده همچنان باقی است.

علی‌اصغر قائمی

۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

مطابق با نیمه ماه مبارک رمضان ۱۴۴۲



تهران شایسته‌ترین است.

«بسمه تعالی»

با عرض سلام و ادب خدمت همه بزرگوارانی که فرصت کرده و این سطور را مطالعه نموده و اینجانب را از نظرات اصلاحی و ارشادی خود مستفیض می‌فرمایند.

اینجانب تهران را شایسته بهترین‌ها می‌دانم، چرا که اولاً مردم آن شایسته بهترین‌ها هستند. سطح پیشرفت، توسعه و تعالی هر شهری به میزان بلوغ اجتماعی شهروندان آن شهر بستگی دارد و مردم شهر تهران این مهم را بارها به اثبات رسانده‌اند. ثانیاً تهران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام و پایتخت کشور، همواره در معرض دید و رصد جهانیان است و شایسته است که شأن و منزلتی در خور داشته باشد. از این رو شعار خود را برای نامزدی در دوره ششم شورای اسلامی شهر تهران «تهران شایسته بهترین‌ها است» انتخاب کرده‌ام.

همچنین، از آنجا که متن بیانیه، بنابر اختصار و توجه به امّهات مورد نظر تهیه شده، لازم دیدم شرح مختصری بر هر فراز از متن اصلی و کلیدواژه‌های مهم آن تهیه کنم، تا خواننده محترم بیشتر و بهتر با آنچه که به عنوان باید‌ها، نبایدها و رویکردها مد نظر قرار داده‌ام، آشنا شوند و قطعاً اینجانب را در رفع کاستی‌ها و عمل بهتر به وظائف قانونی یاری خواهند نمود.

«رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»



فراز دوم بیانیه:

امیدوارم به فضل و عنایت الهی و تحت توجهات حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» و دعای خیر مردم با خالص کردن نیت، برای خدمت با روحیه‌ای بسیجی که میراث گرانقدر دوران پرافتخار دفاع مقدس است، عمل به وظائف قانونی عضویت در شورا را سرلوحه کار خود قرار داده، در گزینش و نظارت بر عملکرد شهردار و شهرداری تهران با تفاهم و همدلی سایر اعضای شورای اسلامی شهر که منشأ خیر و صلاح است، به منظور تسهیل و تسریع کار مردم و با استفاده از روش‌های علمی در اداره شهر کوشا باشم.

نکته اول: در بیان ضرورت نیت خالص:

نیت در لغت به معنای «قصد» است و عاملی است که در کالبد عمل انسان، روح می‌دمد و به عمل، بها و ارزش می‌بخشد. وجود عباراتی همچون «فی سبیل الله»، «ابتغاء مرضات الله»، «ابتغاء وجه الله»، «ابتغاء رضوان الله» در قرآن کریم، گویای اهمیت این امر است. در فرازی از دعای منتسب به امام زمان (عج) از پیشگاه الهی در خواست «صدق نیت» می‌شود که دلیلی بر اهمیت این امر است. «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النَّيَّةِ...» در چهارم خرداد ۱۳۷۸ نیز رهبر معظم انقلاب در بیاناتی فرموده‌اند: امروز هم که بحمدالله خدا به مسئولان توفیق داد تا شوراها را با این سطح وسیع به وجود آوردند، شوراها هم در خدمت مردم. امروز شما چنین نعمتی را در اختیار دارید. قصدتان را برای خدا خالص کنید. عزیزان من! هیچ عبادتی بالاتر از خدمت به مردم نیست؛ چه در شهر، چه در بخش و چه در روستا... من بارها عرض کرده‌ام، کسانی که مسئولیت‌هایی بر دوش دارند وقت را مصروف خدمت کنید، مصروف کار کنید، قصد را خدایی کنید. تجربه ارزشمند پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز گواه این مدعا است که «نیت خالص» چقدر در دستیابی به اهداف مؤثر است. اینجانب نیز با تأسی به این آموزه‌های گرانقدر، ورود به عرصه انتخابات را با نیتی که مرضی درگاه خداوند تبارک و تعالی باشد، آغاز نموده و ذات اقدس الهی را بر این امر گواه می‌گیرم.

نکته دوم: در بیان ضرورت داشتن روحیه بسیجی:

بسیج باور و تفکری است که ضامن بقای ارزش‌های الهی انقلاب اسلامی است. چنان که امام خمینی «ره» همواره تأکید بر این داشتند که «اگر تفکر بسیجی در این کشور سایه بیندازد این کشور از دست اجانب مصون خواهد ماند». مقام معظم رهبری نیز در ۱۹ اسفند ۱۳۸۱ در بیاناتی فرموده‌اند: باید با روحیه‌ای بسیجی یعنی با «احساس تکلیف، بدون توقع، فداکارانه، بدون خودنمایی و برای رضای خدا» کار کرد و حتی یک روز را برای خدمت به مردم از دست نداد. اگر بسیجی بودن را به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواحنا فداه) و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است، بدانیم آنگاه بسیجی فکر کردن و بسیجی عمل کردن کلید مصون‌سازی کشور در همه شئون و سطوح خواهد بود. در فرازی از دعای روز سه‌شنبه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْعَالِيُونَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ حِزْبِكَ فَإِنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنَّ أَوْلِيَاءَكَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» به اعتقاد اینجانب جنداللهی بودن در وقت ضرورت (مانند دوران دفاع مقدس)، حزب‌اللهی بودن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به معنای واقعی پیروی از آموزه‌های الهی و ولی‌الله بودن در ارتباط شخصی با درگاه حضرت حق، تفسیر جامعی از بسیجی بودن است که مصداق بارز آن در وجود مقدس امیرمؤمنان تجلی دارد. اینجانب امیدوارم توفیق داشته باشم با رعایت همین اصول و شاخصه‌های والا در جایگاه شورای شهر، فرصت انجام وظیفه را پیدا کنم.



نکته سوم: در بیان ضرورت عمل به وظائف قانونی

طبق اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. امروز با گذشت چند دهه از شروع به کار شوراهای اسلامی شهر و روستا و بویژه تجربه عملکرد ادوار قبلی شورای اسلامی شهر تهران، توجه و عمل به وظائف قانونی عضویت در شورا محرز شده است. عمل در محدوده قانونی، وعده ندادن در مصادیقی که در چارچوب اختیارات اعضای شورای شهر نیست، تصمیماتی که بار مالی غیر قابل تحقق دارند از جمله مصادیق این فقره محسوب می‌شوند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۸ اردیبهشت ۱۳۷۸ در این رابطه فرموده‌اند: حدود و وظایف شوراهای اسلامی که در قانون معین شده باید در قول و عمل به طور کامل رعایت شود. اعضای شوراها وظائف خود را به درستی بشناسند و بر تحقق آن همت بگذارند و چیزی را که در قانون پیش‌بینی نشده و یا به خاطر واقعیت‌های کشور و دولت، قادر به انجام دادن آن نیستند، وعده ندهند و مردم را از کمک و اقدام شوراهای اسلامی مأیوس نسازند.

امید است افرادی که برای شورای اسلامی شهر تهران انتخاب خواهند شد، با توجه اختیارات قانونی خود تصمیم بگیرند و از ایجاد انتظارات بی‌مورد در تبلیغات انتخاباتی خودداری کنند.

نکته چهارم: در بیان شیوه‌گزینی شهردار و نظارت بر عملکرد وی

آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقوا است. این جمله، بیان شیوایی از شهید چمران است در پاسخ به این سؤال که در پذیرش مسئولیت، تخصص مهم‌تر است یا تقوا؟ آنچه مبرهن و واضح است این است که ملاک گزینش، باید در کنار امانت و دینداری، کفایت و کارآمدی نیز باشد، البته همراه با نجابت و حسن سلوک با مردم.

درباره انتخاب مدیریت‌های شهر و روستا توصیه می‌کنم امانت و دیانت و کفایت اشخاص را ملاک گزینش قرار دهید. رفاقت‌های شخصی و حزبی و ملاحظات سیاسی به هیچ رو، نباید مجوز گزینش مدیران فاقد ملاک‌های اصلی شمرده شود. به شهردار برگزیده خود کمک و فرصت دهید و از او مسئولیت و پاسخ بخواهید و در برابر کوتاهی‌ها یا کج‌رفتاری‌ها بی‌تفاوت نمانید و به وظیفه قانونی خود عمل کنید و این همه را از جنجال و غوغاگری که امروز متأسفانه بعضی به‌جَد، طالب آنند، دور نگهدارید. این بخشی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ۶ اردیبهشت ۱۳۸۲ است که فرا روی اعضای شورای شهر، برای انتخاب و نظارت بر عملکرد شهردار و مدیران اجرائی شهر است.

امید است افرادی که برای تصدی مسئولیت خطیر شهرداری تهران انتخاب می‌شوند، با توجه ملاک‌هایی که بیان شد، با رعایت همه جنبه‌های مورد نظر، به دور از جنجال و غوغای سیاسی، کمر همت برای خدمت به مردم را ببندند و اعضای شورای شهر نیز با همراهی و همکاری فرصت انجام کار را فراهم کرده و با نظارت مستمر و صحیح، آنان را در انجام مأموریت و مسئولیت خویش یاری دهند.

نکته پنجم: در بیان ضرورت تفاهم و همدلی بین اعضای شورای شهر

انسان بر اساس فطرت خویش برای بقاء و ادامه زندگی، نیازمند ارتباط با دیگران است و به تنهایی نمی‌تواند تمام مشکلاتش را حل کند. گستردگی، پیچیدگی و حجم زیاد مشکلات در جامعه، مستلزم حل آن‌ها به صورت گروهی و جمعی است که لازمه آن همدلی و هم‌زبانی است. همدلی که به تبع آن هم‌زبانی را نیز به دنبال دارد، بر پایه اولاً «نیت خیر و حسن فاعلی» و ثانیاً «عمل خیر و حسن فعلی» و ثالثاً «حسن ظن و پرهیز از بدگمانی» و رابعاً «حسن خلق» و خامساً «عدل و انصاف» و سادساً «تعاون» استوار است.



قرآن کریم در آیه ۴۶ سوره انفال فرموده است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» عدم تنازع و کشمکش که موجب سستی است، در کنار اطاعت از خدا و پیامبرش مورد تأکید قرار گرفته که البته با صبر و استقامت نیز باید همراه باشد.

پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی «ص» نیز مردم را به جماعت و پرهیز از تفرقه امر فرموده‌اند «أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِتَاكُمْ وَ الْفُرْقَةِ» و بیان گهربار حضرت امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» که فرموده‌اند «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» را بارها و بارها شنیده‌ایم، که دست قدرت خدا، با جماعت است.

رهبر معظم انقلاب نیز در ۸ اردیبهشت ۱۳۷۸ فرموده‌اند «برای کسب توفیق در وظایف شوراهای اسلامی، شرط اول آن است که اعضای شوراهای اسلامی هر شهر یا روستا در عمل با یکدیگر تفاهم و همدلی داشته باشند. بدون این شرط مهم، یقیناً این نهاد تازه تأسیس نخواهد توانست برای مردم منشأ خیر و صلاح گردد.» اینجانب نیز امیدوارم با سرلوحه قراردادن این اصول اساسی و با همدلی بر محور حق، با سایر اعضای شورای اسلامی شهر تهران، با اتخاذ تصمیماتی صحیح، منشأ خیر و صلاح برای شهر و مردم شهر تهران باشم.

نکته ششم: در بیان ضرورت استفاده از روش‌های علمی در مدیریت شهر

تهران امروز کلان‌شهری است با مسائلی پیچیده که حل یا کاهش پیامدهای این مسائل، تصمیم‌گیری‌های سخت، چالشی (و حتی بلندپروازانه) و تلاش مجدانه را می‌طلبد و نمی‌توان با روشی محافظه‌کارانه به نبرد با مشکلات تهران رفت. این نحوه تصمیم و اقدام در حوزه‌های گوناگون مسائل شهری شرط لازم برای کارآمدی نظام مدیریت شهری تهران است، اما شرط کافی نیست. تصمیمات سلیقه‌ای و بدون پشتوانه علمی نه تنها هدر رفت زمان و بیت‌المال را در پی دارد، بلکه می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری برای شهر و شهروندان تهرانی در پی داشته باشد. تجربه کلان‌شهرهای موفق دنیا در فائق آمدن بر مشکلات، همگی برگرفته از تحلیل‌های علمی دقیق از طریق داده و اطلاعات بروز و صحیح است و ما نیز باید شهر تهران را با نگاهی علمی و فناورانه مدیریت کنیم.

از سوی دیگر الگوواره‌هایی چون شهر زیست‌پذیر، تاب‌آور، پایدار، هوشمند و موارد مشابه دیگر که معمولاً دستمایه شعار بسیاری از مسئولین و متولیان امر شده است، تنها از طریق روش‌های علمی و وجود اطلاعات دقیق، قابل محاسبه، اندازه‌گیری، رصد و پایش است تا بتوان به کمک آن‌ها به مدیریت بهتر شهری دست یافت. همانگونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۴ تیر ماه ۱۳۸۶ فرموده‌اند «باید در اداره شهر از روش‌های علمی و محققان برجسته دانشگاه‌ها نیز استفاده شود.»

اینجانب نیز وظیفه خود می‌دانم که با استفاده از نظر دانشمندان، محققان و متخصصان حوزه مدیریت شهری، سهم خود را تصمیمات بهینه شورای اسلامی شهر تهران به درستی ایفاء کنم.



فراز سوم بیانیه:

توجه به مختصات شهر اسلامی، حفظ هویت تاریخی و بافت قدیمی شهر، فرهنگ‌سازی و تبلیغ در مسائل مربوط به شهر را وظیفه خود دانسته و ارتباط دائمی با مردم را کلید دستیابی به این مهم می‌داند. همچنین در راه مبارزه با فساد، رشوه‌خواری و تجمل‌گرایی در مدیریت شهری از هیچ کوششی فروگذار نخواهم کرد و آن را از جمله وظائف مهم خود و سایر اعضای شورای اسلامی شهر تهران، می‌دانم.

نکته هفتم: در بیان توجه به مختصات شهر اسلامی

مدیریت شهری و شهرداری‌ها به منظور مدیریت و سازمان‌دهی روابط موجود در شهر در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی تشکیل شده‌اند و برای این منظور باید به برنامه‌ریزی و توسعه شهرها با در نظر گرفتن احتیاجات مردم برای به حداقل رساندن مشکلات شهری و پاسخ‌گویی به نیازهای عمومی جمعیت شهری بپردازند. «انسان» در کنار «فعالیت» و «فضا یا مکان» اصلی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده شهرها محسوب می‌شود، هرچند این سه مؤلفه پیوندی ناگسستنی با دیدگاه‌ها، بینش، جهان‌بینی، اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، اخلاقیات و رفتارهای مردم آن شهر دارد. دین مبین اسلام نیز همانند همه حوزه‌های شئون زندگی، دارای دیدگاه‌هایی است که توجه به آن‌ها در زندگی اجتماعی می‌تواند چراغ راهی برای حرکت به سوی سعادت‌مندی در زندگی اجتماعی و شهرنشینی باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات متعددی به وجوه مختلف شهر اسلامی تأکید داشته‌اند. ایشان در ۸ اردیبهشت ۱۳۷۸ فرموده‌اند «شوراهای شهری در فعالیت‌های خود به مختصات شهر اسلامی توجه کرده و خدمات شهری را در جهت تأمین این مقصود به کار گیرند و بخصوص به معماری و شهرسازی متناسب با حیات طبیعه اسلامی به طور کامل توجه کنند. در شهر اسلامی، عدالت در تقسیم خدمات شهری، تأمین آرامش روحی و امنیت معنوی، ظهور و اعتلای مظاهر اسلامی و انقلابی، عمران و آبادی و زیبایی، حفظ طبیعت و صفای طبیعی، همه با هم باید مورد توجه قرار گیرد».

اینجانب نیز بر خود لازم می‌دانم با توجه به آموزه‌های قرآن کریم، احادیث و روایات معصومین علیهم‌السلام، نظر نخبگان دین‌شناس و تجربه مدیریت شهری، توجه به ارزش‌های فوق را مطمح نظر در آراء صادره در جمع اعضای محترم شورای اسلامی شهر تهران قرار دهم.

نکته هشتم: در بیان ضرورت حفظ هویت تاریخی و بافت قدیمی شهر

بافت تاریخی، سیما و منظر شهرهای ایران گنجینه‌ای ارزشمند، از فرهنگ و مدنیت این کشور است. گذرهای باریک، بازارچه‌ها، پاتوق‌ها و ساباط‌ها جزئی از هویت شهرهای ماست و متأسفانه بعضاً مشاهده می‌شود که ارزش‌های تاریخی شهرها در معرض فراموشی قرار گرفته و برخی از ساکنین فعلی بافت‌های تاریخی که نسل‌های نو یا مهاجرین هستند، حس خاطره‌انگیزی و تعلق کمتری به این فضاها دارند. برای شهر تهران، به دلیل تغییرات عمده بوجود آمده، ضرورت حفظ هویت شهری بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. لذا تکیه بر خصوصیات کالبدی و عملکردی، همچنین حفظ میراث طبیعی، به مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

خوشبختانه در دوره مدیریت جهادی شهر تهران در زمینه حفظ نشانه‌ها و یادگارهای تاریخی تهران، اقدامات بسیار خوبی صورت گرفت، مانند بازسازی خانه مشاهیر تهران یا ساختمان‌های یادگاری قدیمی، که متأسفانه این رویه بطور جدی دنبال نشد. البته مهم‌تر از این، مسئله فضاهای عمومی بافت‌های خاطره‌انگیز شهر تهران است که باید با معماری ایرانی-اسلامی و معماری زیبای شرقی مزین شود، با هندسه‌ای ملایم و مطابق طبع انسان، که با چشم‌نوازی احساس التذاذ و انبساط خاطر را به همراه داشته باشد. بسیاری از کلان‌شهرهای مهم دنیا، توانسته‌اند با تغییر کارکرد و بازآفرینی، علاوه بر حفظ و معرفی



هویت فرهنگی، بافت‌های قدیمی خود را تبدیل به فرصتی برای اقتصاد شهری نائل شوند. پس ما هم باید بتوانیم علی‌رغم دشواری‌های تجربه شده، با وجود بیش از هزار بنای ارزشمند شناسایی شده و بعضاً ثبت میراثی در تهران، این گنجینه را از چالش به فرصتی برای مدیریت شهری دوره جدید تبدیل کنیم. رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۳ اسفند ۱۳۸۴ فرموده‌اند «تهران باید به شهری با هویت ایرانی و اسلامی، زیبا و روح‌نواز، دارای رفاه عمومی، و مقاوم تبدیل شود. باید با برنامه‌ریزی بلندمدت و با پیگیری مجدّانه، هویت ایرانی و اسلامی در تهران متجلی شود.» امید است اعضای شورای اسلامی شهر تهران با درک صحیح از این مهم، به آن پایبند بوده و همت خود را معطوف تحقق آن کنند و من نیز خود را موظف به توجه به این اصل مهم می‌دانم.

نکته نهم: در بیان ضرورت توجه به فرهنگ‌سازی و تبلیغ در مسائل مربوط به شهر

در این روزها تصویری که از شهرهای بزرگ مانند تهران در ذهن نقش می‌بندد تصویری است از ترافیک‌های آزاردهنده، آلودگی هوا که نفس را به شماره می‌اندازد، زباله‌های پراکنده در سطح شهر و آلودگی‌های زیست محیطی، آدم‌های که سر در گوشی‌های تلفن همراه خود دارند و این تصویر شهری است که ما آن را شکل داده‌ایم. اما با این حال وحشتناک‌تر هنگامی است که بدانیم این شهر با همه این ویژگی‌ها همانند موجودی زنده در حال تربیت ما آدم‌ها است. ما شهرها را می‌سازیم، شهرها ما و باور شهروندان را می‌سازد. در این تسلسل انسان و شهر، بی‌تردید این انسان است که موضوع اصلی است. از همین رو است که امروزه توجه به فرهنگ به معنای عام آن و فرهنگ عمومی و شهروندی از الویت‌های مدیریت شهری به شمار می‌آید.

لذا تبلیغات شهری باید در خدمت ارتقاء فرهنگ و فضائل اخلاقی به کار گرفته شود. این امر زمانی میسر می‌شود که تبلیغات ماهیتی فرهنگی به خود گرفته و از شکلی خلاقانه برخوردار باشد. برای نیل به این هدف ضروری است مدیریت شهری دو فعالیت موازی را پیگیری نماید. نخست دست یاری به سوی کارشناسان فرهنگی و هنرمندان دراز کند تا زمینه مشارکت آن‌ها را در امور شهری ایجاد کند و دوم آنکه سازوکارهای استفاده از فناوری‌های نوظهور، مانند فضای مجازی و امکانات چندرسانه‌ای را توسعه دهد. خوشبختانه در شهرداری تهران دو مجموعه بزرگ با عنوان «سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران» و «سازمان زیباسازی شهر تهران» امکانات لازم را برای تحقق این امر مهم در اختیار دارند، به این شرط که جسارت عبور از کارهای تقلیدی یا موازی با سایر دستگاه‌های مشابه را داشته باشند.

البته از تبلیغات نیز به عنوان فرصتی در توسعه پایدار شهرها نیز یاد می‌شود. بدیهی است اثرات اقتصادی تبلیغات شهری در کنار اثرات اجتماعی و فرهنگی آن، از مهمترین دلایل توجه ویژه برنامه‌ریزان شهری به تبلیغات در فضاهای شهری است. از جمله آثار مورد انتظار از آن، ارتقاء دانش و بینش مردم، فرهنگ‌سازی در جامعه، توسعه اشتغال، کمک به افزایش درآمد شهروندان و کمک به زیباسازی شهر است.

بنابراین یکی از محورهایی که باید برنامه‌ریزان شهری به آن توجه داشته باشند، تبیین جایگاه مناسب تبلیغات، در فضای شهری است، به گونه‌ای که به سلامت شهر و شهروندان لطمه وارد نسازد. علاوه بر آن، توجه به تأثیرگذاری مطلوب و مناسب تبلیغات، منطبق بر اصول برنامه‌ریزی شهری است که باید با رعایت قوانین و احترام به حقوق شهروندی مورد توجه مدیران شهری قرار بگیرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۷ آذر ۱۳۸۲ فرموده‌اند «سعی کنید روح دیانت و اخلاق اسلامی را در فضای شهر تهران ساری و جاری کنید؛ این کاری است ممکن و گره‌گشای بسیاری از مشکلات است. خیلی از مشکلات ما ناشی از دور شدن از فضائل اخلاقی است ... در نصب تابلوها، تبلیغات، رفت و آمدها، ترافیک و همه چیزهای دیگر از این قبیل امکان‌پذیر است. شما می‌توانید با همه این وسائل، اخلاق



فاضله را در مردم گسترش دهید.»

اعضای شورای اسلامی شهر تهران نیز همراه با مدیریت شهری، باید اهتمام خود را به استفاده صحیح از تبلیغات شهری معطوف داشته تا زمینه رشد اجتماعی مردم شهر تهران، بیش از پیش فراهم شود.

نکته دهم: در بیان ضرورت ارتباط دائمی با مردم

مشارکت شهروندان ابزاری برای تقویت مدیریت شهری در جوامع پیشرفته امروزی محسوب می‌شود و تنوع و پیچیدگی مشکلات روزمره در کنار معضله‌های اجرایی و مدیریتی، ضرورت مشارکت شهروندان در حل مسائل شهری را مضاعف می‌کند. آنچه از مشارکت فعال شهروندان مد نظر است، تقویت حس اعتماد و همکاری میان اهالی شهر و مدیریت شهری است که به تبع آن، اصلاح سبک زندگی شهروندان، تقویت هویت شهری، گسترش توانایی‌های افراد و در نتیجه رشد و تعالی شخصیت شهروندان را به دنبال دارد و بدیهی است که مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری ابزاری برای تقویت مدیران در مدیریت شهری و ایفای وظایف آنان به شمار می‌رود. از دیدگاه امام خمینی(ره) اهمیت مشارکت برای تعیین سرنوشت به حدی است که آن را در کنار نماز قرار داده و می‌فرمایند «همه شما، همه ما، زن و مرد مکلف، همان طور که باید نماز بخواند، همان طور باید سرنوشت خود را تعیین کند»

نقش مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری در دوره حاکمیت علوی نمونه بارز و آشکار از بها دادن به مردم و توجه به حقوق همه افراد جامعه اسلامی بود، چنانکه آن حضرت بارها به مشخص نمودن جنبه‌های حقوق متقابل مردم و حکومت تأکید فرموده و از مردم می‌خواستند که مشکلات و مسائل خود را با حکومت در میان بگذارند و از طرفی با نظارت به شیوه‌های گوناگون، بر کارگزاران نظارت کامل و جامعی را اعمال کنند. مهمترین کار ویژه شوراها نیز، افزایش مشارکت مردم در اداره شهرها است و شورا به عنوان نهادی که هم در جامعه و هم در حاکمیت حضور دارد، می‌تواند در فرآیند مشارکت مردم نقش مؤثری ایفا کند. تجربه فراهم شدن امکانات هوشمند ارتباطی از سالیان دور مانند سامانه ۱۳۷ و درگاه‌های متنوع برقراری ارتباط، همراه با تعامل رو در رو، فرصت مشارکت مردم را برای شورا و مدیریت شهری پدید می‌آورد که باید بیشتر مورد توجه قرار گرفته و کارکردی فراتر از رفع نیازهای روزمره شهری پیدا کند.

نکته یازدهم: در بیان ضرورت مبارزه با فساد، رشوه‌خواری و تجمل‌گرایی

نقص، ضعف، خلاء، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات، معضلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مشکلات سیاسی و قدرت نفوذ صاحب‌منصبان، تشکیلات و ساختار اداری ناکارآمد و نامتناسب، بزرگی ساختار اداری، قدرت انحصاری و اختیارات نامحدود از جمله عوامل اصلی بروز فساد اداری محسوب می‌شوند که در قالب رشوه و حق‌التسریع و بعضاً در اشکال ناهنجارتری همچون تبانی، اخاذی، تقلب، کلاهبرداری و اختلاس بروز و ظهور می‌کند و پیامدهای بسیار نامطلوبی را به بار می‌آورد.

در کنار راه‌کارهای قضائی و حقوقی، راه‌کارهای نظارتی و کنترلی، راه‌کارهای فرهنگی-اجتماعی و بعضاً اقتصادی، راه‌کار اصلاح فرایندها و سامانه‌محور شدن آنها، شفافیت و ایجاد جریان آزاد دسترسی به اطلاعات برای همه ذی‌نفعان، از جمله مؤثرترین راه‌کارهای مقابله با این پدیده شوم محسوب می‌شود و تجربه دنیا و کشور خودمان نیز گواه این ادعا است. بدیهی است توسعه سامانه‌های هوشمند به هم پیوسته و یکپارچه‌ای که از فرایندهای بهینه شده بهره می‌برند و شهرداری تهران نیز طعم شیرین آن را در دوره مدیریت جهادی در مصادیق مختلف چشیده و تجارب موفق را از آن دوره به یاد دارد، بهترین راه‌کار حذف زمینه بروز و ایجاد فساد اداری است که علاوه بر وحدت رویه و شفافیت (که زمینه آگاهی مردم را پدید می‌آورد)، موجبات توسعه عدالت اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۷ آذر ۱۳۸۲ فرموده‌اند «در داخل تشکیلات شهرداری با فساد مماشات



نکنید؛ چه فسادی که مربوط به بیرون شهرداری است و می‌خواهد از ابزار شهرداری استفاده کند، چه فسادی که خدای نکرده در درون هسته‌ای از هسته‌های شهرداری رخنه کرده باشد و در آن‌جا بخواهد گسترش پیدا کند و فضا و محیط امنی برای خود درست کند ... البته کار دشواری است.»

شهرداری و مدیریت شهری تهران، بار دیگر می‌تواند به نقطه‌ی اوج خود که نمونه‌ی موفق و بارزی از استقرار سامانه‌های یکپارچه و ساختارهای خودکنترلی برای کاهش فساد اداری در کشور به شمار می‌رفت بازگردد و این مهم در گرو تصمیمات هوشمندانه‌ی شورا و عملکرد صحیح شهرداری است.



فراز چهارم بیانیه:

بر خود وظیفه می‌دانم که از زمینه‌های بروز اختلاف بین شورا و شهرداری تا حد توان پیشگیری کنم، از انگیزه‌های جناحی که بازدارنده اصلی کار هستند پرهیز کنم، به هیچ عنوان در جنجال‌های سیاسی به جای عمل به وظائف قانونی وارد نشوم و مراقبت کنم که شهرداری از هر طریقی برای کسب درآمد قانون‌فروشی نکند.

نکته دوازدهم: در بیان ضرورت پرهیز از اختلاف بین شورا و شهرداری

شکل‌گیری شوراهای ایران به عنوان یکی از دستاوردهای مهم و بنیادین جمهوری اسلامی، دارای مبانی عمیق و قوی فقهی و شرعی است. هرچند دو دهه از عمر شوراهای در کشور گذشته، اما هنوز بعضاً شاهد گلایه شورا از شهرداری یا شهردار و ارکان اجرائی مدیریت شهری از شورا هستیم. گاهی گلایه‌های شورایی‌ها از نادیده گرفتن مصوباتشان توسط مقامات اجرائی شهرداری و مدیریت شهری است و گاهی ناشی از پیگیری برای منافع شخصی، بخشی یا حزبی است که ممکن است توسط شهردار یا مدیرانش اجابت شود یا نشود، که در هر صورت می‌تواند نقطه ایجاد اختلافات فی‌مابین باشد.

البته ورود اعضای شورای شهر به جزئیات و شئون اجرائی یا نادیده گرفتن شأن نظارتی شورا توسط مدیران شهری نیز می‌تواند از زمینه‌های ایجاد اختلاف قلمداد می‌شود. سیاسی شدن شوراهای، نقائص و ابهامات قانونی، عدم آشنائی هر یک از دو طرف موضوع (شورا و شهرداری) به وظائف قانونی نیز از جمله علل اختلافات این دو نهاد برشمرده می‌شود، که در مجموع «اصلاح و بهبود قوانین موجود»، «شفاف کردن مرز بین سیاست‌گذاری، نظارت و اجرا»، «آموزش مستمر و ارتقاء سطح آگاهی و مهارت» و «اصلاح روابط فی‌مابین» اصلی‌ترین راهکارهای کاهش و از بین بردن اختلافات است و در نهایت اتکاء به راه‌حل‌های قانونی، مطمئن‌ترین شاخص برای ایجاد و هماهنگی بین شورا و شهرداری است. شورا باید برای پرهیز از روند روزمرگی، تدوین برنامه‌های بنیادی را در دستور کار خود قرار دهد. به طراحی سیستم‌های نظارتی کمیسیون‌های تخصصی خود پردازد و با تدوین برنامه‌های دراز مدت، به دنبال مشخص کردن سیاست‌های کلی شهر باشد.

همانگونه که شورا ناظر بر عملکرد شهرداری و مدیریت شهری است، مردم نیز ناظر بر عملکرد شورا هستند و باید زمینه این‌گونه مشارکت مردم را پدید آورد، چرا که این مهم حق مردم، بلکه وظیفه آنان است و نتیجه طبیعی اعطای حق به مردم از جانب مردم است. مردمی که با شرکت در انتخابات اعضای شورای اسلامی شهر را به عنوان نماینده خود انتخاب کرده‌اند و حق تصمیم‌گیری را به آنان اعطا نموده‌اند، طبعاً حق نظارت بر عملکرد شورا را دارند و بدیهی است که جلسات علنی شورا این امکان را فراهم می‌سازد تا افراد جامعه بتوانند از نحوه عملکرد شورا آگاهی یافته و با سازوکار مناسب وظیفه نظارتی خود را انجام دهند.

در ۲۷ تیر ۱۳۷۹ رهبر معظم انقلاب در این باب به اعضای شورای اسلامی وقت تهران فرموده‌اند: «مردم آمده‌اند، اقبال کرده‌اند و با یک شور و آمیدی به چیز ناشناخته‌ای که در تعبیرات ما و در شعارها و اظهارات، تصویری از آن داشتند، رأی داده‌اند. این شما هستید که می‌توانید این ایمان مردم را مستحکم کنید. اگر بین خودتان بر سر چیزهای کوچک، دائم اختلاف‌ها وجود داشته باشد، یا بین شما و شهردار اختلاف و سرگرمی‌ها و گرفتاری‌های گوناگون باشد، اجازه نمی‌دهد که به مسائل، رسیدگی کنید ... همه همت کنید و اختلافات را کنار بگذارید؛ محور اصلی را بچسبید. اگر بنا باشد گرایش‌های گروهی و جناحی و حزبی و رفاقتی را وارد قضایا کنید، این کار به سامان نخواهد رسید.

اینجانب نیز امیدوارم در صورت راهیابی به شورای اسلامی شهر تهران، به موضوعاتی که بیان شد پایبند بوده و از این مطالب صرفاً بهره تبلیغاتی نبرده باشم.



نکته سیزدهم: در بیان پرهیز از انگیزه‌های جناحی که بازدارنده اصلی کار هستند

هر چند در ادبیات نظری، احزاب معمولاً به عنوان نهادی برای جامعه‌پذیری مردم و به مثابه باشگاه نخبگان، به‌منظور جهت دهی و شکل‌دادن به افکار عمومی، رابط و عامل پیوند میان مردم و حکومت و ایفای نقش دریاچه اطمینان، فراهم ساختن فرصت برای ظهور استعدادها در ساختار سیاسی و بسترسازی برای رشد، آموزش و ارتقای سیاسی افراد، مدیریت فضای سیاست و چارچوب بخشیدن به آن، شکل‌دادن به خواست‌های سیاسی و ترغیب جامعه به مشارکت سیاسی، کمک به ایجاد ثبات سیاسی، تدوین سیاست‌های عمومی و ارائه برنامه، تعدیل گرایش‌ها و اندیشه‌های گوناگون، بسیج رأی دهندگان و نظم بخشیدن و نهادینه‌سازی رقابت‌های انتخاباتی، گزینش مستقیم و غیرمستقیم تصمیم‌گیران سیاسی و نظارت بر دولت تعریف می‌شود، اما وقتی رفتار جناحی که به دنبال تحقق منافع گروهی خاص در درون یک نظام فکری است حاکم شود، تحزب کارکرد خود را از دست می‌دهد. به‌ویژه هنگامی که حاکمیت یک بخش از مدیریت جامعه در اختیار جناحی خاص قرار گیرد، مانند شورای شهر.

بارها در کلام بزرگان کشور و به‌ویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید به پرهیز از جناح‌بازی دیده می‌شود. ایشان در ۸ اردیبهشت ۱۳۸۶ فرموده‌اند: «دخالت جناح‌بندی‌ها و انگیزه‌های حزبی و گروهی و شخصی و طایفگی در این وظیفه مهم، زهر مهلکی است که شوراها را از کار می‌اندازد و آن را کم سود و گاه، زیان‌بخش می‌سازد.» و در جای دیگری تأکید داشته‌اند که «مناقشات سیاسی و جناحی و ورود در هر اقدامی که اعضای شورای اسلامی را از اتحاد عملی خود دور کند، برای این شوراها مضر و ناروا است.» اینجانب رفتارهای سیاسی و جناحی و در برخی موارد منفعت‌طلبی‌های شخصی در شورا را منشأ اختلال در کار شورا و شهرداری می‌دانم و اساساً معتقدم شورا باید از یک ساختار کاملاً غیرسیاسی، بلکه متناسب با نیازهای مدیریت شهری، ساختاری کاملاً تخصصی داشته باشد. شورای شهر امروزه به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان‌های مدیریت شهری محسوب می‌شود که پس از انتخاب توسط شهروندان، وظایفی در قلمرو شهر و از جمله انتخاب شهردار را دارد، لذا با اطمینان می‌توان گفت که هرچه شورا، از فضای سایت‌زدگی و رفتار جناحی بیشتر به دور باشد، می‌توان به کارآمدتر بودن مدیریت شهری امیدوارتر بود.

نکته چهاردهم: در بیان اینکه شهرداری نباید از هر طریقی کسب درآمد کند

شهرداری‌های کشور در فرآیند توسعه شهری و ایجاد خدمات مورد نیاز شهروندان با چالش‌های متعددی در زمینه‌های مختلف روبه‌رو هستند. یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی مدیران شهری، کمبود منابع درآمدی و کسب درآمدهای پایدار شهرداری‌ها برای ارائه خدمات و ایجاد زیرساخت‌های شهری است. گسترش محدوده شهرها، تقاضای قابل ملاحظه در حمل‌ونقل شهری، افزایش مطالبات شهروندان و کاهش کمک‌های دولت باعث شده است که شهرداری‌ها در زمینه تأمین مالی خود با مشکلات زیادی مواجه شوند.

فقدان نظام درآمدی کارآمد و تعریف نکردن جایگزین مناسب منابع دولتی برای بسیاری از شهرها منجر به اتکای شهرداری‌ها به منابع بی‌ثبات و ناپایدار از جمله فروش تراکم، تغییر کاربری و بعضاً جرائم ساختمانی شده و این منابع، بخش مهمی از درآمد شهرداری‌ها را به خود اختصاص داده است! در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، شهرداری‌ها سعی دارند با راهبری شهر به سمت پروژه‌های درآمدزا و تسهیل زمینه‌های سرمایه‌گذاری در شهر حرکت کنند تا وابستگی خود را به درآمدهای ناشی از ساخت‌وساز به حداقل ممکن برسانند. توجه به اقتصاد دیجیتال در کنار سایر منابع درآمدی پایدار نیز می‌تواند منبع درآمد مناسبی برای شهرداری‌ها قلمداد شود، اما فعلاً در ایران شهرداری‌ها از این طریق درآمدی ندارند. عدم کفایت درآمد فعلی در شهرداری‌ها و بعضاً استفاده نامناسب از اختیارات قانونی، شهرداری‌ها را به سوی کسب درآمد از روش‌های بی‌ضابطه و به تعبیری دیگر، قانون‌فروشی سوق داده است و این مسئله،



ضرورت اصلاح قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها را مضاعف نموده است. رهبر معظم انقلاب در ۲۷ تیر ۱۳۷۹ فرموده‌اند: «مسئله معامله ابزارگونه با قانون، به تعبیر رایج، قانون‌فروشی، هم مشکل دیگری است که آن زمان هم بود و بنده هم بارها تذکر می‌دادم» و در جای دیگری فرموده‌اند: «عوارض، چیزی است که باید مردم بدهند؛ اما اگر شما به قصد کسب درآمد، دست به کارهایی زدید که نمی‌توانید عوارض فرهنگی آن را از پیش، درست محاسبه کنید بسیار مضر است». لذا یکی از موضوعات مهمی که باید شورای اسلامی شهر به آن بپردازد برنامه‌ریزی برای ردیف‌های درآمدی پایدار و بویژه درآمد مبتنی بر اقتصاد دیجیتال است که خصیصه تداوم در طول زمان و مطلوبیت درآمد در چارچوب توسعه پایدار را محقق کند. منبع درآمدی که از بین رفتنی نباشد یا از بین رفتن آن جایگزین داشته باشد، در دوره‌های مالی مختلف نوسان شدید نداشته باشد، موجب آسیب‌رساندن به توسعه شهری نشود، همراه با افزایش هزینه‌ها، افزایش یابد و در نهایت به طور پیوسته قابل وصول باشد و اینجانب خود را موظف به پرداختن به این سرفصل مهم می‌دانم.

فراز پنجم بیانیه:

بر اساس تجربه حضور در این عرصه و به منظور جلب مشارکت و اعتماد شهروندان و استفاده از دیدگاه‌های مردم در اداره شهر به دنبال استقرار مدل‌های مشارکت شهروندان در تصمیمات مدیریت شهری خواهیم بود و از ایجاد بسترهای حضور گسترده مدیریت شهری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به منظور شفافیت بیش از پیش و بهره‌گیری از نظرات خبرگان در اتخاذ تصمیمات بهینه، حمایت خواهیم کرد.

نکته پانزدهم: در بیان ضرورت مشارکت شهروندان در تصمیمات مدیریت شهری

مشارکت، یکی از مباحث نو و در عین حال پُرکاربرد در زمینه «توسعه» است و به طور کلی بر این امر تأکید می‌کند که افراد یک جامعه از طریق تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم در امور شهر و سایر موضوعات مرتبط، می‌توانند از منافع مشارکت بهره‌مند شوند. موضوع مشارکت عمومی در اداره و حکمرانی، یک مقوله نظری نیست. بلکه بنا به تجربیات متعدد، در عمل معلوم شده است که حجم انبوه مسائل و مشکلات جوامع، خصوصاً جوامع شهری، بدون مشارکت مردم میسر نیست.

مدیریت شهری به معنای «سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان شهر» است. لذا مشارکت‌های مردمی نقشی اساسی در تحقق این امر دارد. از مهم‌ترین زمینه‌های مشارکت در حکمرانی، مشارکت شهروندان در مدیریت و اداره امور شهرهاست.

کاربردهای اساسی فناوری اطلاعات و ارتباطات در اطلاع‌رسانی، آموزش، فرهنگ‌سازی، مشارکت‌پذیری و برنامه‌ریزی، زمینه‌های استفاده از آن را در تحقق موضوع مشارکت شهروندان در اداره و مدیریت شهر، فراهم آورده است. با استفاده از ICT، مدیریت شهری بهبود می‌یابد، دیوان‌سالاری اداری کاهش پیدا می‌کند، ارائه خدمات و امکانات و توزیع عادلانه آن‌ها به شهروندان تسهیل می‌شود و جنبه‌های مدیریتی و خدمات‌رسانی در شهر تقویت می‌شود.

با توسعه شاخص‌های فناوری اطلاعات، شاخص‌های شهروند الکترونیکی و زیرساخت‌های مرتبط با فناوری، شهروندان تمایل زیادی به غیرحضوری شدن خدمات و استفاده از مظاهر فناوری در شهر پیدا می‌کنند و از این رو، می‌توان به کاهش هزینه‌ها و ایجاد تعادل در توزیع و دسترسی مناسب به این کاربری‌ها در سطح شهر امیدوار بود.

نکته حائز اهمیت آن که تا وقتی مسئولان و مدیران شهری برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای طرح‌های مختلف شهری، نسبت به ایجاد مشارکت دو سویه و متقابل اقدام نکنند، نمی‌توان انتظار داشت که فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌ها، خصوصاً رسانه‌های دیجیتالی و اینترنتی نقشی مؤثر ایفا کنند. زیرا بدون اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی، بستری برای این تعامل و مشارکت فراهم نمی‌آید و تا زمانی که این رابطه میان رسانه‌ها، خصوصاً رسانه‌های اجتماعی و مشارکت مردم در مدیریت شهری از سوی مردم پذیرفته نشود، طبعاً نمی‌توان در خصوص افزایش مشارکت آن‌ها در مدیریت شهری حرف زد. عملکرد رسانه‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در رویدادهای مدیریت شهری، از یک سو منعکس‌کننده نیازها، تقاضاها و مطالبات مردم از مدیریت شهری است و از سوی دیگر، عامل اطلاع‌رسانی فعالیت‌های انجام‌گرفته توسط مدیران شهری است. رسانه‌ها، خصوصاً رسانه‌های مجازی که از قدرت نفوذ بسیار بالایی برخوردارند، باعث می‌شوند که مردم از نوع فعالیت‌ها، نحوه استفاده از خدمات ارائه‌شده یا مشارکت در آن‌ها آگاه شوند و باید اذعان داشت که این موضوع با مقوله توسعه شهری و نیز توسعه مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، ارتباط مستقیمی دارد.

رسانه‌های اجتماعی با توجه به وظائف و رسالت اطلاع‌رسانی، اقناع‌سازی، تنویر افکار عمومی، آموزش و فرهنگ‌سازی و ایجاد حس مشارکت میان مردم در بخش‌های مختلف، نقش مهمی ایفا می‌کنند. زمانی



این رسانه‌ها می‌توانند در جلب حمایت و افزایش مشارکت مردم در اجرای برنامه‌های مختلف مدیریت شهری مؤثر واقع شوند که عملکرد مدیران شهری برای تحقق رابطه دو سویه و در تعامل گسترده به منظور اجرای پروژه‌ها و برنامه‌ریزی «با مردم» و نه «برای مردم» باشد. این امر تنها به کمک وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های اجتماعی تحقق می‌یابد. زیرا یکی از وظائف مهم رسانه‌ها، ایجاد زمینه شناخت بهتر برای مردم است.

با استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان بخشی از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، هدف ارائه خدمات و بهبود اطلاعات محقق می‌شود، شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری تشویق و مشارکت داده می‌شوند و سازمان مدیریت شهری، به صورت شفاف‌تر و مؤثرتری اداره می‌شوند.

در سال‌های اخیر، دانشمندان علوم اجتماعی و ارتباطات و متخصصان مدیریت شهری، بر این امر تأکید کرده‌اند که نقش گروه‌های جامعه مدنی و تقاضای آن‌ها برای مشارکت در مدیریت عمومی شهرها، غیرقابل انکار است. بخش زیادی از این تقاضا، به طور عمده توسط شبکه‌های مدرن جامعه مدنی یا همان شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده است، به نحوی که این مسئله به ابزاری برای ارتقاء «شفافیت» و «پاسخ‌گویی» مدیریت شهری به شهروندان تبدیل شده است.

اگرچه در دوره پیشین مدیریت شهری، ساختارهای ارتباطی با شهروندان در بستر رسانه‌های اجتماعی به وجود آمد، اما در دوره فعلی با توجه به برخی سهل‌انگاری‌ها و از بین رفتن اولویت‌ها، عملاً امکان ارتباط مردم با مدیریت شهری تهران در بستر فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی از بین رفت و فرصت‌های بی‌شماری مغفول ماند که لازم است مدیریت شهری آینده، نسبت به احیاء آن و توسعه این زمینه‌های ارتباطی اقدام نماید.

با توجه به ضرورت این‌گونه تعاملات اجتماعی با شهروندان در فضای مجازی، بایستی به منظور تقویت این تعامل میان مدیریت شهری و شهروندان، راه‌اندازی و اداره شبکه‌های اجتماعی تخصصی و محلی در دستور کار قرار گیرد و از سوی مدیران شهری، حمایت شود. استفاده از رسانه‌های اجتماعی به منظور افزایش تعامل و همکاری با مردم و در راستای فرهنگ‌سازی برای مشارکت در مدیریت شهری و نظارت بر اقدامات مدیران، مورد توجه قرار گیرد و مدیران شهری مسائل مختلف را از طریق رسانه‌های اجتماعی با مردم در میان بگذارند. رسانه‌ها بایستی به منظور مشارکت مردم در امور مختلف، در دسترس مردم باشند و نظرهای مردم را به گوش مدیران شهری برسانند و پایگاه مناسبی را برای ایجاد مشارکت و شناسایی انواع مختلف نیازها باشند.

رسانه‌ها نیز باید فرهنگ مشارکت در بین شهروندان را گسترش دهند. زیرا مردم به حضور در عرصه رسانه‌های اجتماعی علاقمندند و می‌توانند نقش مؤثرتری در این رسانه‌ها ایفا کنند. رسانه‌های اجتماعی «چشم بینای مردم» در کنترل امور مربوط به شهر و توسعه روحیه مطالبه‌گری هستند و می‌توانند مدیران شهری را پاسخ‌گوی اقدامات خود کنند. رسانه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی مردم را تقویت کرده و با ارتقای سطح مشارکت، حس اعتماد و صداقت را میان شهروندان و مدیریت شهری ایجاد می‌کنند. در بستر این شبکه‌هاست که به ایده‌ها و نظرات مردم بها داده می‌شود و مردم نقش خود را در مشارکت اجتماعی لمس کرده و برای جامعه احساس مسئولیت می‌کنند.



فراز ششم بیانیه:

شفافیت اطلاعاتی شهر در سطح سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و توجه به اجرائی بودن و اثربخش بودن قوانین وضع شده توسط شورا و مبارزه با رانت‌های اطلاعاتی را پیگیری خواهم کرد و نظارت مؤثر، کارا و سیستمی بر اقدامات شهری و تلاش برای اصلاح قوانین و ضوابط دست و پاگیر، چابک‌سازی دستگاه‌های خدمات‌رسان به مردم را از جمله وظایف خود می‌دانم.

نکته شانزدهم: در بیان ضرورت شفافیت اطلاعاتی

شفافیت اطلاعاتی در علوم اجتماعی و مباحث توسعه، یکی از پیش‌نیازهای اساسی دستیابی به اهداف توسعه پایدار در همه جوامع شناخته شده و ایجاد بسترهای شفافیت اطلاعاتی، جزء مهم‌ترین ملزومات برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با پدیده‌هایی نظیر رانت و تبعیض اطلاعاتی و قانون‌گریزی و سوءاستفاده سیستماتیک از قوانین و مقررات تلقی می‌شود.

بدون شک مدیریت شهری تهران با توجه به نوع خدمات قابل ارائه به شهروندان، بیشترین تعاملات را با همه ارکان اجتماع نظیر شهروندان، شرکت‌ها و مؤسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی، اصناف، کسب‌وکارها و نهادهای تصمیم‌ساز در مدیریت اجتماعی و اقتصادی شهر دارد.

وجود انبوهی از اطلاعات در مدیریت شهری تهران و همچنین وجود قوانین و مقررات تخصصی در حوزه‌های مختلف مدیریت شهری، نظیر قوانین و مقررات حوزه شهرسازی، حمل‌ونقل، خدمات عمرانی شهر مرتبط با شرکت‌ها و پیمانکاران، اصناف و ...، همچنین نحوه اطلاع و آشنائی از قوانین و مقررات و بهره‌برداری عموم شهروندان از اطلاعات، همواره یکی از چالش‌های جدی مدیریت شهری در حرکت در مسیر عدالت اطلاعاتی شهر و مبارزه با رانت اطلاعاتی بوده است.

شفافیت اطلاعاتی در شورای شهر تهران باید در زمینه شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها، شفافیت در وضع قوانین و مقررات و شفافیت در ارزیابی اثربخشی اقدامات، از طریق استفاده حداکثری از ابزارهای فناوری اطلاعات با هدف برخورداری عادلانه شهروندان و سایر ذی‌نفعان از اطلاعات، محقق شود.

علاوه بر ضرورت حرکت شورای شهر تهران در مسیر شفافیت، این شورا می‌تواند به عنوان نهاد ناظر بر مدیریت شهری، با شناسائی وضع موجود و اصلاح قوانین و مقررات، زمینه‌های افزایش کارائی و اثربخشی بیشتر در قوانین و مقررات و همچنین حذف موانع قانونی شفافیت اطلاعاتی در شهر را میسر نموده و زمینه‌های انسداد رانت‌های اطلاعاتی در شهرداری و مدیریت شهری تهران را فراهم نماید.

شناسائی مؤلفه‌های اطلاعاتی موجود در شهرداری تهران و تلاش در جهت یکپارچگی اطلاعاتی و ایجاد بسترهای فناورانه دسترسی همه ذی‌نفعان با رعایت حدود و ثغور دسترسی به قوانین و مقررات و اطلاعات موجود در کنار زمینه‌های آموزشی مورد نیاز بهره‌برداران از جمله کارهایی است که خواهد توانست در شورای شهر تهران، به عنوان یکی از فعالیت‌های دائمی پیگیری شود و در صورت نیاز، موانع موجود از طریق به‌روزرسانی یا وضع قوانین و مقررات لازمه، تا حصول به نتیجه مورد انتظار صورت پذیرد. بدون شک استفاده از ابزارهای نوین و فناورانه در شورای شهر تهران، در فعالیت‌های نظارتی، خواهد توانست اثربخشی اقدامات و نظارت‌ها را افزایش داده و در نهایت به کارائی بیش از پیش مدیریت شهری تهران منجر شود.

اینجانب تمام تلاش خود را در جهت اهداف بیان شده فوق با در نظر گرفتن منافع شهر و شهروندان انجام خواهم داد و خود را موظف به ارائه گزارش‌های نوبه‌ای می‌دانم.



فراز هفتم بیانیه:

برای تقویت و توسعه درآمدهای پایدار شهر از طریق فرصت‌هایی که توسط فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل حصول است تلاش خواهیم کرد و به دنبال توسعه زمینه‌های مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کسب‌وکارهای فعال در شهر تهران در تحقق شهری با خدمات نوین، در دسترس، شهروندمدار و زیست‌پذیر خواهیم بود.

نکته هفدهم: در بیان برخی روش‌های توسعه درآمدهای پایدار شهر

مدیریت شهری نوعی از حکومت محلی است که تصدی تمامی حوزه‌های مرتبط با مدیریت شهر را بر عهده دارد. چنین مدیریتی باید متکی بر درآمدهای پایدار و مستقل محلی باشد که اولاً تداوم داشته باشد، ثانیاً مطلوب باشد و ثالثاً قابلیت انعطاف داشته باشد.

کمبود یا کاهش درآمد شهرداری‌ها، تأثیر عمده‌ای در ارائه خدمات به شهروندان دارد و فقدان درآمد کافی، نه تنها موجب اختلال در خدمات ضروری در شهر می‌شود، بلکه اجرای تمامی طرح‌ها و برنامه‌های شهری را نیز با مشکل مواجه می‌سازد. البته در این میان دولت هم موظف است هزینه فعالیت‌های خود در سطح شهر را بپردازد.

در این میان غفلت شهرداری‌ها از اقتصاد دیجیتال، موجب عدم بهره‌مندی شهر از منافع و درآمدهای سرشار این پدیده نوظهور است. چرا که این حوزه جدید مبادله کالا و خدمات، شیوه تولید و بازاریابی را تغییر و ارتقاء داده و منجر به ایجاد فرصت‌های جدید برای کسب‌وکارهای موجود و شکل‌گیری مدل‌های جدید کسب‌وکار شده است. البته باید توجه داشت که اقتصاد دیجیتال مفهومی نیست که یکباره خلق شده باشد، بلکه در یک روند تکاملی در ساختار اقتصاد شکل گرفته است. این اقتصاد از طریق کاهش هزینه‌های معاملات، کم‌رنگ شدن نقش واسطه‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش قابل توجه محدودیت‌های زمان و مکان، هزینه پائین‌تر جستجو و یافتن کالا یا خدمت مورد نظر، سطح بالای ارتباط میان بنگاه‌ها و مشتریان و افزایش قدرت ذی‌نفعان و مشتریان در کسب‌وکارهای مختلف، افزایش توان رقابتی در همه بخش‌های اقتصادی و تسهیل دسترسی به بازارهای مختلف را به دنبال داشته است.

از این رو انتقال به اقتصاد دیجیتال یک اولویت اساسی به شمار می‌آید و شهرداری به عنوان نهادی که بخش عظیمی از خدمات در شهر را مدیریت می‌کند، باید به دنبال یافتن سهم خود از این مدل فراگیر باشد، تا کسری بودجه و درآمد خود را که عمدتاً مبتنی بر حوزه مسکن تعریف می‌شود، جبران کند.

همانگونه که ورود به عرصه اقتصاد دیجیتال مزایا و فرصت‌های قابل توجهی را به همراه دارد، بهره‌مندی از مزایای آن هم منوط به فراهم بودن الزامات و بسترهای اساسی آن است، از قبیل تدوین استراتژی جامع توسعه دیجیتال، مساعد کردن محیط کسب‌وکار و متناسب‌سازی قوانین و مقررات با فضای اقتصاد دیجیتال، آموزش نیروی کار و ارتقاء مهارت آنها و مؤلفه‌های متعدد دیگری که نهاد قانون‌گذار شهری یا همان شورای شهر باید به آن توجه ویژه داشته باشد.

اینجانب در صورت راهیابی به شورای شهر بر خود وظیفه می‌دانم، با پیگیری این مهم، راه‌کار صحیح و قانونی استفاده شهرداری از این فرصت بی‌نظیر را با استفاده از نظرات کارشناسان حوزه علمی و عملیاتی این موضوع در دستور کار خود قرار داده تا به عنوان یکی از ردیف‌های درآمدی پایدار قابلیت تحقق پیدا کند.



فراز هشتم بیانیه:

فارغ از شعارزدگی، ایجاد کمیسیونی برای مدیریت و راهبری موضوعات فناوری و نوآوری شهری، که طبعاً تحقق شهر هوشمند را به دنبال دارد، پیگیری خواهم کرد تا فرصتی برای توسعه زیرساخت‌های حقوقی حمایت از مجموعه‌های نوآفرین، خلاق و دانش‌بنیان فراهم آید و سیاست‌های حمایتی برای تقویت و توسعه خدمات غیرحضوری هدفمند شود.

نکته هجدهم: در بیان ضرورت ایجاد کمیسیون تخصصی حوزه نوآوری و فناوری

در حال حاضر شهرداری‌ها و بسیاری از دستگاه‌های اجرائی، شعار هوشمندسازی را سر داده و هر یک بخشی از برنامه‌ها و منابع خود را به این موضوع تخصیص داده‌اند. لیکن ایراد اساسی، نبود یک برنامه جامع فرابخشی و عدم استفاده از تجربه و توان زیست‌بوم نوآوری و فناوری در تدوین برنامه است. همچنین عدم وجود مرجعی برای سیاست‌گذاری و ایجاد تعامل آگاهانه بین نهادهای دولتی و عمومی، نهادهای مردمی، شهروندان و حوزه‌های تخصصی مرتبط، موجب شده علی‌رغم شعار هوشمندسازی در بسیاری از دستگاه‌های اجرائی و به‌ویژه شهرداری، برنامه‌های متعددی تحت عنوان هوشمندسازی به‌صورت جزیره‌ای شکل گرفته و بعضاً تداخل و تعارضاتی نیز مشاهده می‌شود. گرچه اجرای بخشی از این برنامه‌ها، توسط حوزه‌های تخصصی و بخش خصوصی در حال انجام است، ولی به دلیل عدم مشارکت مردم، ذی‌نفعان و عناصر تخصصی در سیاست‌گذاری و همچنین عدم توجه به هوشمندسازی خدمات و فرآیندهای مرتبط با آنها، عملاً نتیجه مؤثری در بهبود کیفیت زندگی شهروندان نداشته است. از سوی دیگر یکی از راهکارهای توسعه و ایجاد درآمدهای پایدار و تقویت نقش فناوری اطلاعات در ایجاد ارزش، حمایت از مجموعه‌های نوآفرین، خلاق و دانش‌بنیان و اولویت‌دهی به نوآوری در مدیریت شهر است. وضع قوانین و مقررات حمایتی از توسعه فعالیت‌های نوآورانه کسب‌وکارها از جمله اولویت‌هایی است که باید به آن پرداخته شود.

لذا با ارائه طرحی برای ایجاد کمیسیونی تخصصی به‌منظور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ساماندهی، تدوین مقررات و طرح‌های حمایتی لازم، بررسی شیوه مشارکت بخش خصوصی و اشتراک منابع موجود در شهرداری، یکپارچگی اقدامات دستگاه‌های دولتی و مدیریت فناورانه شهر، سعی خواهم نمود با بهره‌گیری و مشارکت زیست‌بوم نوآوری و فناوری، فرصتی بهتر برای توسعه خدمات غیرحضوری و برخط فراهم شود، فرآیندهای نادرست اصلاح شود و حرکت در مسیر تحقق شهر هوشمند، سرعت پیدا کند.



فراز نهم بیانیه:

در خلاء قانونی مدیریت واحد شهری، حمایت از تحقق مدیریت یکپارچه شهری، متکی به ابزارها و راهکارهای فناورانه را، راه‌گشای دستیابی به این هدف والا می‌دانم و به ارتباط و تقویت روابط با حوزه‌های تخصصی و دستگاه‌های اجرائی و قوای محترم سه‌گانه به منظور همگرایی اقدامات شهری در جهت ارتقاء جایگاه شهر تهران در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اهتمام خواهم داشت.

نکته نوزدهم: در بیان شیوه مدیریت کلان و اثربخش شهر تهران و ارتقاء جایگاه این شهر

با تصویب اولین قانون بلدیة در سال ۱۲۸۶ (ه.ش) سنگ بنای اولیه تأسیس شهرداری‌ها در ایران گذاشته شد و هدف اصلی از تأسیس شهرداری‌ها، حفظ منافع شهرها و پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان بود. شهرداری تهران تا سال ۱۳۴۹ که اولین طرح جامع تهران تهیه و به تصویب انجمن شهر و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسید، انسجام قابل ملاحظه‌ای نداشت. هر چند در حدود بیش از یک قرن از تشکیل شهرداری‌ها در کشور ما می‌گذرد، اما همچنان دامنه اختیارات مدیریتی شهرداری‌ها محدود است و برای پاسخ‌گویی به مطالبات فزاینده شهروندان باید اسباب و تمهیدات لازم فراهم آید.

تعدد مدیریت و ناهماهنگی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی متولی امور شهری از مسائل اساسی در حوزه مدیریت شهری است و اگر مدیریت واحد شهری را به معنای قرار گرفتن شهرداری در رأس همه امور اجرائی شهر، از خدمات‌رسانی تا توسعه و عمران، فرهنگی و آموزشی، بهداشت و درمان، انضباط شهری و همه وجوه مدیریتی شهر تلقی کنیم، فعلاً امری دست نیافتنی خواهد بود، چرا که هنوز روابط بین شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های خدماتی شهر که رابطه ساختاری با نهادهای دولتی دارند، مشخص و تدقیق نشده و شهرداری‌ها نیز آمادگی پذیرش این مسئولیت را ندارند.

یک راه‌کار میانه و قابل اجرا و تجربه‌شده، استقرار مدیریت یکپارچه شهری به جای مدیریت واحد شهری است که با اشتراک داده و اطلاعات دستگاه‌های مختلف خدمات‌رسان در شهرها و پرهیز از تکرار موجودیت‌های اصلی اطلاعات در همه نهادها، ترکیب و تلفیق فرایندهای کاری، به‌ویژه آن دسته از فرایندهای مرتبط با شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی، ارتقاء سطح تعامل‌پذیری و رفع ناهماهنگی‌های فیما بین، قابل تحقق است.

البته واقعیت این است که اولین رکن تحقق مدیریت یکپارچه شهری، ارتقاء جایگاه شورای شهر است، که باید در عمل جایگاهی بسیار فراتر از شورای شهرداری پیدا کند تا از رهگذر این مهم، جایگاه شهر تهران مانند دوران پرافتخار مدیریت جهادی، به شأن و منزلت خود باز گردد.



فراز دهم بیانیه:

قابطه کارکنان شهرداری و بدنه این سازمان بزرگ را افرادی خدمت‌گذار و صادق می‌شناسم و به استفاده از ظرفیت‌های داخلی شهرداری و کارکنان آن و تلاش برای ثبات مدیریت شهری برای اکثر موارد، اعتقاد دارم.

نکته بیستم: در بیان ظرفیت درون‌سازمانی شهرداری و توانمندی کارکنان آن

اکثر سازمانها، کارکنان خود را به‌عنوان مهم‌ترین دارائی قلمداد می‌کنند، بیان این موضوع هرچند به یک موضوع کلیشه‌ای تبدیل شده و در بیانیه‌های مأموریت و چشم‌انداز وجود دارد، اما در حقیقت باید اذعان داشت که نیروی انسانی مهم‌ترین سرمایه هر سازمانی است و هرچه این سرمایه از کیفیت مطلوب و بالاتری برخوردار باشد، موفقیت، بقا و ارتقاء سازمان بیشتر خواهد شد. بنابراین، توجه به بهبود کیفی منابع انسانی در سازمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این اقدام منافع دوجانبه‌ای برای سازمان و افراد در پی دارد. هرچه اعضای سازمان، بیشتر ارزش‌های سازمان را بپذیرند و بیشتر خود را متعلق به سازمان بدانند و خود را ملزم به تلاش در راه نیل به اهداف آن بدانند، احتمال موفقیت آن سازمان بیشتر خواهد شد. یکی از شاخص‌های برتری یک سازمان به سازمان دیگر، دارا بودن نیروی انسانی متعهد است. وجود کارکنان متعهد، وجهه سازمان را در اجتماع ارتقاء می‌دهد و زمینه رشد و توسعه را فراهم می‌کند. اما اگر این تعهد وجود نداشته باشد، نه تنها سازمان در جهت نیل به اهدافش حرکت نمی‌کند، بلکه فرهنگ بی‌تفاوتی بر مشکلات می‌افزاید. تعهد سازمانی کارکنان، مزیت رقابتی مهمی برای هر سازمان محسوب می‌شود، که می‌تواند منجر به رضایت شغلی، نوآوری سازمانی، خلاقیت سازمانی و اثربخشی سازمانی شود.

اگر نظام اداری و اجرائی دچار اشکال بوده و ناکارآمد باشد، هم منابع از دست می‌رود و هم فرصت‌های را از بین خواهد برد و علاوه بر این، نیروهای خلاق و پُر کار نیز در این نظام اداری و اجرائی غلط، از کار درست باز می‌مانند. در این شرایط حتماً اصلاح نظام اداری و اجرائی در گرو همت، تلاش و اخلاص آن دسته از کارکنانی است که در آن مجموعه مشغول به کار هستند.

با عنایت به موارد فوق معتقدم شهرداری تهران، به اندازه کافی نیروی متخصص و باتجربه دارد که نیاز به حضور مدیران وارداتی از خارج از مجموعه بزرگ شهرداری نداشته باشد، مگر در موارد خاص و با توجه به وجود نیروهای متعهد و متخصص با قراردادهای متفاوت، می‌بایست از جذب و استخدام‌های بدون ضابطه جلوگیری و به ساماندهی وضعیت استخدامی نیروهای فعلی شهرداری تهران پرداخته و برای ارتقاء سطح رفاهی و معیشتی کارکنان فعلی تلاش شود. توجه به مشکلات بانوان در محیط کار و ایجاد محیطی امن و با آرامش برای آنان با توجه به نقش مهمی که در کانون خانواده و تربیت نسل آینده دارند، بسیار ضروری است. رسیدگی به وضعیت رفاهی و معیشتی بازنشستگان به عنوان صاحبان تجربه و گنجینه دانش سازمانی، که آئینه تمام‌نمای آینده کارکنان شهرداری هستند، باعث بالا رفتن تعهد سازمانی و تعلق خاطر کارکنان قدیمی و نیروهای فعلی به مجموعه شهرداری می‌گردد.

هر چند سیاسی‌کاری‌های دوره پنجم شورای شهر، به عدالت سازمانی آسیب زده است و ترمیم آن دشوار به نظر می‌رسد، اما باید برای برقراری مجدد آن با ایجاد مسیر ارتباطی بین کارکنان شهرداری و اعضای شورای شهر، تلاش شود تا شاهد افزایش رضایت‌مندی، انگیزه، خلاقیت، اثربخشی و تعهد سازمانی در میان کارکنان خدوم شهرداری، همچون گذشته باشیم.



فراز یازدهم بیانیه:

لذا با اتکاء به عنایات الهی و برنامه‌های پیش‌گفته و با پرهیز از طرح شعارهای خیال‌پردازانه، ادعاها و قول‌های غیرواقعی، فریب‌دهنده و غیراصولی که موجب دامن‌زدن به انتظارات غیرمنطقی است و با پرهیز از اسراف در تبلیغات و با رعایت موازین اسلامی، ورود خود را به عرصه رقابت انتخابات شورای اسلامی شهر تهران اعلام می‌نمایم. امیدوارم با رأی خود، اینجانب را در ایفای رسالت و مسئولیتی که فراروی خویش می‌بینم یاری کنید، هرچند فرصت‌سوزی‌های دوره پنجم شورای شهر تهران، کار را سخت و دشوار نموده، اما امید به آینده همچنان باقی است.

نکته بیست و یکم: در بیان ضرورت پرهیز از شعارزدگی و جبران فرصت‌سوزی‌ها

پایه اصلی وجه جمهوریت نظام، انتخابات است و عدم تحقق وعده‌های نامزدهای هر دوره از انتخابات، موجب دل‌سردی مردم و ظلم مضاعف به نظامی است که مدیون فداکاری‌های خیل عظیم شهدا و امام شهدا است. برخی از نامزدها به منظور کسب رأی، وعده‌هایی را مطرح می‌کنند که غیرواقعی و تخیلی است. گروهی دیگر وعده‌هایی معقول‌تر را دستاویز جلب توجه مردم قرار می‌دهند، اما مشکل این نوع وعده‌ها نیز این است که علی‌رغم امکان‌پذیر بودنشان، در اختیار آن نماینده نیست. علت اصلی این رویکرد، یعنی طرح وعده‌های غیرواقعی از سوی برخی از نامزدها، ناشی از دو مورد زیر است:

(۱) متأسفانه بعضی از نامزدها فقط با هدف رأی آوردن و با علم به تحقق‌ناپذیری وعده‌های‌شان چنین رویکردی را برمی‌گزینند.

(۲) گروهی دیگر تنها به علت عدم شناخت کافی از حدود اختیارات مسئولیتی که در پی آن هستند، وعده‌هایی غیرواقعی و غیرعملی را مطرح می‌کنند.

در مواجهه با گروه اول، وظیفه مردم است که در انتخاب خود دقت کرده و سره را از ناسره تشخیص دهند، هرچند کار دشواری است. فرایند احراز صلاحیت نامزدها برای ثبت‌نام در انتخابات، یکی از راه‌هایی است که از ورود اینگونه افراد به عرصه رقابت جلوگیری کند.

اما شناسائی گروه دوم که از روی ناآگاهی‌شان وعده‌های امکان‌ناپذیر را مطرح می‌کنند، اندکی آسان‌تر است. کافی است که مردم نسبت به نوع تخصص و میزان تجارب اجرائی و مدیریتی نامزدها حساس بوده و سوابق ایشان را به دقت مطالعه کنند. قطعاً یک فرد متخصص و متعهد، که دارای دانش و تجربه کافی است، به خوبی از حیطة اختیارات پُست انتخابی آگاهی دارد و وعده‌هایش منطبق بر واقعیت است و قابلیت جامه عمل پوشاندن خواهد داشت. بنابراین دقت و توجه به وجوه مختلف توانمندی نامزدها، افزون بر آنکه در ایفای درست وظائف نامزد منتخب، نقش مثبت خواهد داشت، زمینه اعتماد به وعده‌های مطرح شده و برنامه‌های ارائه شده را نیز فراهم خواهد کرد.

متأسفانه شورای پنجم شهر تهران از همان ابتدا نشان داد که از وجود بحران عدم صلابت و توانایی تصمیم‌گیری رنج می‌برد. ماجراهای انتخاب شهرداران مختلف در یک بازه زمانی کوتاه، عملاً یک سال از فرصت خدمت به شهروندان تهرانی را نابود کرد. در ادامه پس از کش و قوس‌های فراوان، بالاخره شورای شهر پنجم تهران توانست بر معضل انتخاب مطمئن یک شهردار فائق آید. اما گویا این انتخاب نتوانست یاد شهرداران بزرگ و موفقی را که در دوران پیشین، نماد توسعه، آبادانی و گسترش خدمات شهری بودند را در اذهان شهروندان تهرانی زنده نگه دارد. در این دوره چهارساله، تقریباً هیچ نماد مشخص و قابل توجهی در هیچ یک از حوزه‌های فعالیت مدیریت شهری در افکار عمومی ساکنان تهران شکل نگرفت. دیگر خبری از توسعه بزرگراه‌ها، تقاطع‌های غیرهم‌سطح، بوستان‌ها و ... در محمل‌های گفتگوی مردم تهران نبود. در شرایطی که معضل آلودگی هوای تهران روزبروز بیشتر راه تنفس تهرانی‌ها را مسدود می‌کند، هیچ روزنامه، خبرگزاری و رسانه‌ای، خبرهای خوشی از گسترش ناوگان حمل و نقل عمومی منتشر



نکرد، خطوط متروی تهران و تعداد واگن‌هایش ثابت مانده‌اند. برخورد جناحی و سیاسی در بعضی از نهادهای وابسته به شهرداری تهران غم‌انگیز بود، به طوری که تعداد زیادی از افراد متخصص و با تجربه شهرداری تهران در حوزه‌های تخصصی به بهانه جوان‌گرایی و بدون هیچ دلیل موجه و قابل قبولی کنار گذاشته یا عملاً بایکوت شدند.

حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز بر خلاف دوره‌های پیشین مدیریت جهادی که عملکردی بسیار درخشان، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی داشت، یکی از راکدترین، ضعیف‌ترین و ایستاترین دوره‌های خود را در شهرداری تهران تجربه کرد. برخورد جناحی و سیاسی سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات را نیز در بر گرفت و کارشناسان باتجربه و متخصص این سازمان را به دلائل واهی بایکوت کرد و عملاً سرمایه‌های انسانی سازمان مورد بی‌توجهی قرار گرفتند.

حتی از دید کارکنان شهرداری تهران نیز این دوره یکی از تلخ‌ترین دوره‌های سابقه کاری‌شان محسوب می‌شود، زیرا افزون بر کنار گذاشتن کارکنانی که تمامی جوانی خود را با کسب تجربه در خدمت‌رسانی به شهروندان تهرانی معامله کرده بوند، هیچ تلاشی از سوی مدیران ارشد شهرداری، برای جبران تورم بی‌سابقه در کشور، در حوزه تأمین زندگی کارکنان شهرداری که به حق سرمایه اصلی شهرداری تهران هستند، صورت نپذیرفت. شورای شهر پنجم در پیشگاه مردم شهر تهران و مهم‌تر از آن در پیشگاه الهی، مسئول این فرصت‌سوزی‌های غیرقابل جبران است و راه دشواری را پیش روی شورای ششم قرار داده است. یکی از راه‌های جبران این شکاف عمیق علاوه بر کار مضاعف، اعتماد به توانمندی‌های موجود در شهرداری و بازگشت اعتماد است و باید همچون گذشته، میان کارکنان خدوم شهرداری، باشیم.

«وَأَخِرْ دَعْوِينَا إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

علی اصغر قائمی

۱۵ خرداد ۱۴۰۰



کسران شاید بهترین باشد.



کد انتخاباتی ۵۸۲۵

علی اصغر قائمی

کاندیدای ششمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش

📞 🌐 📧 📱 @GhaemiMedia